

زیر آسمان فیروزه‌ای

اعضای هیئت نظارت بر آکادمی «سزار» استعفایمی‌دهند

● ایستا: ۲۱ نفر از اعضای هیئت نظارت آکادمی «سزار» اعلام کردند همگی پس از برگزاری مراسم اهدای جوایز «سزار» پیش‌رو که به عنوان جوایز اسکار سینمای فرانسه شناخته می‌شود، استعفا خواهند داد. این بیانیه غافلگیرکننده در حالی منتشر شد که چندی پیش پس از نامزدی «یک سرباز و یک جاسوس»، ساخته جدید «رومن پولانسکی» در ۱۲ شاخه جوایز «سزار»، انتقادهای بسیاری متوجه این آکادمی شد. رومن پولانسکی که در لهستان متولد شده است در سال ۱۹۹۷ در ماجرای تجاوز به یک دختر ۱۳ ساله در آمریکا گناهکار شناخته شد، اما پیش از آغاز دوران محکومیت به فرانسه گریخت و از آن زمان تا کنون دولت آمریکا در تلاش برای استرداد اوست. این هیئت در بیانیه‌ای دلیل اتخاذ این تصمیم خود را «اقدامی در احترام به تمام کسانی که در سال ۲۰۱۹ در شکل‌گیری سینمای فرانسه نقش داشته‌اند و همچنین بازگشت آرامش و تأکید بر گرامی‌داشت سینما» عنوان کرده‌اند. در هفته‌های اخیر، «جوایز سزار» با فشارهای بسیاری از سوی صنعت سینمای فرانسه و تهدیدهای بی‌شماری برای تحریم این مراسم مواجه بوده است. همچنین روز سه‌شنبه، دادخواستی نسبت به ایجاد اصلاحات اساسی در «جوایز سزار» که توسط ۴۰۰ شخصیت سینمایی ازجمله کارگردانان و بازیگران برجسته سینمای فرانسه امضا شده بود، در روزنامه «لوموند» منتشر شد. بلافاصله پس از اعلام نامزدهای این دوره از جوایز سزار و نامزدی فیلم جدید «پولانسکی» در ۱۲ شاخه، کمپین‌های فمینیستی درپی این انتخاب، معتبرترین جایزه سینمای فرانسه را به حمایت از فردی با اتهام‌های اخلاقی متهم کردند.

اسماعیل شیشه‌گران درگذشت



● ایستا: اسماعیل شیشه‌گران، نقاش و طراح گرافیک در ۶۴ سالگی درگذشت. رؤیا مشعوف، مدیر کاری افرنده، ضمن اعلام این خبر اظهار کرد: زنده‌یاد اسماعیل شیشه‌گران حدود سه روز پیش بر اثر سکنه قلبی درگذشت اما خبر درگذشت او هنوز منتشر نشده بود. او همچنین با بیان اینکه مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد شیشه‌گران هنوز برگزار نشده است، یادآور شد که به درخواست خانواده این هنرمند فقید قرار است این مراسم به‌صورت خصوصی برگزار شود اما مراسم ترحیم مرحوم شیشه‌گران روز سه‌شنبه (۲۹ بهمن ماه) در مسجد شهرک غرب برگزار می‌شود. زنده‌یاد اسماعیل شیشه‌گران سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. او دیپلم نقاشی را از هنرستان هنرهای زیبای تهران گرفت و دوره کارشناسی را در رشته گرافیک در دانشگاه هنر پشت‌سر گذاشت. در کارنامه حرفه‌ای او برپایسی چندین نمایشگاه انفرادی نقاشی، گرافیک و طراحی همچون «صلح»، «پایان قرون»، «سبک‌ها»، «سکوت»، «جام جهانی فوتبال»، «خاکستر»، «دوچرخه» و شرکت در بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی در داخل و خارج از ایران دیده می‌شود.

شرق: محمدحسن مهدویان، کارگردان ۳۸ ساله سینما را که همین چند روز پیش با جدیدترین اثرش، «درخت گردو»، جایزه‌بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر گرفت، خیلی‌ها به عنوان کارگردانی با گرایش یا وابستگی سیاسی مشخص می‌شناسند. خودش البته در مصاحبه با «شرق» این موضوع را قاطعانه رد می‌کند و می‌گوید آدمی سیاسی نیست و مثل همه دیگر فیلم‌سازان سینمای ایران مشغول کارش است. در ادامه با مهدویان گفت‌وگو کرده‌ایم و از او درباره گرایش سیاسی‌اش، همکاری او با تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران فیلم‌هایش، نوع رویکرد و موضوعاتی که در فیلم‌های خود به آنها پرداخته و همین‌طور جدیدترین اثرش، «درخت گردو»، پرسیده‌ایم.

❧ **با توجه به اینکه جنس سینمایی شما تا حد زیادی به سینمای سیاسی متمایل است، اگر مجبور باشیم یا باشید که جایگاه و موضع خودتان را به لحاظ سیاسی در قالب جناح‌های موجود در ایران تعریف کنید، به نظر خودتان به کدام سمت نزدیک‌تر هستید یا تعلق دارید؟**

شخصاً به‌عنوان یک فیلم‌ساز، مانند آدم‌های سیاسی شاید مثل شما، نیست‌م که بگویم به خاطر منشی سیاسی فلان تهیه‌کننده، یا او فیلم کار نمی‌کنم. یا فلان بازیگر که در فلان انتخابات از فلان شخص حمایت کرده است، چون من در جناح دیگری بودم، فیلم نمی‌سازم. اصلاً این‌طور نیست. ما آدم هستیم و کنار هم زندگی می‌کنیم، کار می‌کنیم، مسائل مشترک داریم. مگر همه‌چیز، اصلاح‌طلب و اصولگراست؟ مگر همه‌چیز در همین دو معنا خلاصه می‌شود؟ این جفای بزرگی است که بخشی از سیاستمداران، بخشی از روزنامه‌نگاران و کنشگران سیاسی ما به جامعه ایرانی کرده‌اند. نتیجه این رفتار، دوقطبی‌های بزرگی شد که شکاف‌های عجیب در جامعه ما ایجاد کرده است. من اصلاً معتقد به این مسائل نیستم. به نظرم مقداری به دنیای امروز نگاه کنیم. آدم‌ها با هر عقیده، مسلک و مرامی با همدیگر کار می‌کنند. موضوعات مشترک برای کارکردن پیدا می‌کنند. من همان‌طور که شما در حرف‌های خود گفته‌اید، موضوعاتی که کار کردم، موضوعات ملی بوده است. ایستاده در غبار را راجع به یک سردار جنگ و یک قهرمان ملی کار کردم. حالا شما می‌خواهید از درون‌طور دیگری استنباط کنید… باید فیلم‌ها را دید و راجع به آن قضاوت کرد. من فیلم‌ساز هستم، کنشگر سیاسی نیستم.

❧ **به‌رحال این ابهام یا سوال با میل به دانستن پیرامون شما وجود دارد، اینکه مهدویان در مقام کارگردان با فلان مؤسسه خاص یا تهیه‌کننده‌ای که تابلوی رسمی سیاسی دارد، کار کرده و در انتخابات از گزینه‌ای حمایت می‌کند که مربوط به جریان سیاسی مقابل آنهاست، در نهایت به لحاظ سیاسی به کدام جناح و جریان متمایل هستید؟**

من با دست‌دادهن با یک نفر، مانند دیپلمات‌ها نیست‌م که بگویند این دست‌دادن یک معنا دارد. اینکه نشستن با فلانی و شام‌خوردن، یک معنایی دارد. سیاسی‌ها معانی را در چیزهایی جست‌وجو می‌کنند که انسانی نیست. همین که می‌گوید یک تهیه‌کننده اصولگرا، یک کارگردان اصلاح‌طلب، به نظرم اینها انسانی نیست. اینها تقسیم‌بندی‌های سیاسی است، چندانکه‌ردن آدم‌هاست. پاره‌پاره کردن بخش‌هایی از جامعه است. آدم‌ها سر یک سفره می‌نشینند و باهم زندگی می‌کنند، باهم غذا می‌خورند و به هم عشق می‌ورزند. یکی مسلمان است، یکی کافر است، یکی اصلاح‌طلب است، یکی اصولگراست، یکی طرفدار جمهوری اسلامی است، یکی مخالف است. تا وقتی به هم احترام می‌گذارند و می‌توانند باهم حرف بزنند، مفاهیم مهم‌تر وجود دارد برای اینکه اینها را کنار هم جمع کند. من همه جور دوست و رفیق و همکار دارم، با همه آنها هم کار کرده‌ام. سعی کردم با همه آنها زبان مشترک پیدا کنم. به نظرم چیزی که شما دنبال آن هستید، واقعاً یک مطالبه اجتماعی نیست؛ اینکه شما متعلق به کدام جریان سیاسی یا گروه هستید. اما اگر دنبال کشف چیزی هستید که من دقیقاً نمی‌دانم چیست، من البته اصلاً نمی‌گویم به سؤال جواب نمی‌دهم. آمادگی دارم به هر سؤالی

جواب دهم اما به شرطی که یک سؤال روشن و مشخص باشد؛ سؤالی باشد که در آن واقعا به ابهامی پاسخ داده شود. البته لازم هم نیست آدم راجع به همه ابهام‌هایی که در‌بیراه‌اش وجود دارد، جواب دهد. عرض می‌کنم بالاخره من زندگی می‌کنم. زندگی خودم را دارم، عقاید خودم را دارم. ما فیلم‌سازها در این سال‌ها با خیلی از سازمان‌ها و ارگان‌ها کار کرده‌ایم. نمی‌خواهم از همکاران اسم ببرم. فیلم‌هایی داریم که توقیف شدند، سال‌ها پشت توقیف بودند. اصلاً تابلوی جریان فیلم‌ها توقیفی و فیلم‌های سانسورشده هستند اما در واقع پول خود را از فارابی گرفته‌اند. از یک نهاد رسمی دولتی گرفته‌اند. فیلم‌ساز، فیلمش را ساخته است. سرمایه‌اش را مثلاً از حوزه هنری جور کرده است. همین‌ها هستند که در ایران، سرمایه‌گذاری می‌کنند. مگر تهیه‌کننده‌ها، اصلاح‌طلب و اصولگرا دارند؟

بعید می‌دانم تهیه‌کننده‌های سینمای ایران، این تقسیم‌بندی را بین خودشان قائل باشند. همه آنها یک صنف هستند و زیر سایه یک شغل حرف‌های با هم کار می‌کنند. درون سینما، آنچه به نظرم اهمیت دارد، همین رفتارهای حرف‌های است. قرار نیست ما بین خودمان دیوار بکشیم و بگوییم فلانی اصلاح‌طلب است و بهمانی اصولگرا راست. همه شئونات زندگی‌مان را هم در همین دو معنا خلاصه کنیم؛ یعنی می‌خواهیم آب بخوریم. بگوییم اصلاح‌طلبان چطور آب می‌خورند؟ اگر شما این‌طور آب خوردید، اصولگرا هستید یا مثلاً فلان بیانیه را چطور امضا نکردید؟ پس شما جز، اردوی مقابل هستید. این ایده یا ما یا با

آنها که متأسفانه عموماً هم از فضای کنشگران سیاسی می‌آید و اصلاً به نظرم منشی ملی نیست، باید عوض شود. اتفاقاً همه آدم‌ها باید راجع به موضوعات مشترک با هم کار کنند. فیلم‌هایی که من کار کرده‌ام، اصلاً مسئله‌ناش مسئله اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نبوده است. مسئله تاریخ معاصرمان بود. البته و به‌رحال با محدودیت‌های موجود در سینمای ایران ساخته شدند. برای آنها سرمایه جور کردم و آنها را ساختم. با تهیه‌کننده‌ها و ارگان‌هایی کار کردم که خیلی از کارگردان‌های دیگر هم با همین ارگان‌ها و تهیه‌کننده‌ها کار کرده‌اند. صرف کارکردن با یک نهاد، یک سازمان و یک ارگان یا یک تهیه‌کننده خاص هم به‌لحاظ سیاسی معنی ویژه‌ای ندارد. اینکه این خطوط ترسیم شده است، من را وادار نمی‌کند به‌عنوان یک انسان جای خودم را میان خطوط پیدا کنم؛ یعنی مثلاً کسی پیدا شود، مثلاً شمای نوعی، بخواهد بپرسد که کجا ایستاده‌اید؛ خیر من اصلاً قائل به این خطوط نیستم. اصلاً

این مرزبندی‌ها را قبول ندارم. به نظرم این مرزبندی‌ها محصول تمایل به قدرت است. تمایل آدم‌ها برای اینکه چیزی به دست بیاورند و ناچار هستند گروه‌های این شکلی درست کنند که در آن همه‌چیز هم زیر پا گذاشته می‌شود. مهم‌ترینش هم حقیقت است.

❧ **روایت شما، (با احتمالا هر کارگردانی در داخل**

هنر



گفت‌وگوی «شرق» با محمدحسین مهدویان

من سیاسی نیستم

ایران که سراغ موضوعات پرحاشیه و سیاسی برود) از ماجرای فیلم‌هایی که ساختید و رگ و پی ببرنگ سیاسی دارند تا حد زیادی از زاویه‌ای مشخص و قابل پیش‌بینی برخوردارند. به این‌س معنا که من به‌عنوان مخاطب از قبل تا حدی می‌دانسم موضع کلی فیلم احتمالاً چگونه است، البته طبیعتاً بخشی از این ماجرا همان‌طورکه خودتان هم گفته‌اید به محدودیت‌های داخلی در کشور ما مربوط است و لزوماً تقصیر شمای فیلم‌ساز نیست. ولی به‌رحال تأثیر نهایی را روی اثری که شما می‌سازید می‌گذارد. آیا این نظر را اساساً خودتان قبول دارید؟ در چنین وضعیتی، برای گریز از نتیجه و خروجی قابل‌پیش‌بینی‌ای که به تعبیر شما همین محدودیت‌های اعمال‌شده ایجاد می‌کند، راهکار چیست، یا مشخصاً راهکار شما چیست؟

باطلع در ایران نمی‌توان راجع به هر موضوعی فیلم ساخت. موضوعاتی هم که درباره آنها فیلم می‌سازیم، به هر شیوه و شکلی نمی‌توان به آنها پرداخت کرد. این طبعی و روشن است، روی فیلم هم اثر می‌گذارد. آتارش می‌کنند. درون سینما، آنچه به نظرم اهمیت دارد، همین رفتارهای حرف‌های است. قرار نیست ما بین خودمان دیوار بکشیم و بگوییم فلانی اصلاح‌طلب است و بهمانی اصولگرا راست. همه شئونات

الته اینکه تا حد چه بتوانند موفق شوند یا نشوند، بحث دیگری است، اما اگر این مسئله ما را به انفعال بکشاند، برای ساختن فیلم در این حوزه‌ها، به نظرم شیوه درستی نیست. البته برای من بعد از سه، چهار فیلم، نتیجه‌اش همین شده است. نوعی دلزدگی و خشکی

است؛ اما دست‌کم می‌دانم تلاشم را کرده‌ام برای اینکه فیلم‌هایی با موضوعات تاریخ معاصر و موضوعات سیاسی بسازم؛ حتی اگر یک قدم خطوط قرمزش را جابه‌جا کنم. به‌رحال این تلاش ماست. امروز می‌توان فیلم‌هایی ساخت که مثلاً در دهه ۶۰ نمی‌شد ساخت؛ این یک حرکت است. حرکتی تدریجی که ممکن است خیلی از دیدگاه شما در لحظه اول به چشم نیاید؛ ولی معتقد هستم همین حرکت‌های ریز و تدریجی است که خطوط را به‌تدریج جابه‌جا می‌کند. خیلی اتفاق‌ها الان وجود دارد که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تابلو بودند اما اکنون هم به جامعه ما هستند و هم در سینمای ما. خیلی‌ها حتی به تلویزیون ما هم آمده است. این هم محصول تلاش است. اگر همه از همان اول نمی‌کند به‌عنوان یک نمی‌ساختند. این اتفاق رقم نمی‌خورد؛ اما اکنون فکر می‌کنم محصول این تلاش‌هاست که می‌توان در همین حد فیلم ساخت و حرف زد. این تلاش نباید متوقف شود، ولی احتمالاً آدم‌های تازه‌نفس و پرانرژی‌تر باید بیایند و کار کنند؛ مثل شش، هفت سال پیش من که خیلی برلاش‌تر و پرانرژی‌تر بودم و هنوز انرژی داشتم.

❧ **می‌دانیم که سینمای سیاسی – دولتی نه فقط در ایران که در هالیوود هم هست و به‌وفور دیده می‌شود، یعنی واضح است که بخش زیادی از فیلم‌های ساخته‌شده در هالیوود کارگردان تثبیت و تأیید همان قرائت رسمی ترویج‌شده از سوی سیستم سیاسی حاکم است. از فیلم‌های ابرقهرمانی که در حقیقت مبلغ ایده معروف رؤیای آمریکایی هستند تا فیلم‌های جنگی و جاسوسی که در نهایت اثرشان قهرمان‌سازی از سربازان و مأموران ارتش و سی‌آی‌آی و… مربوط است. اول ماایلم نظر و نگاه شما را دراین باره بدانم، چقدر با این موضوع موافق یا مخالف هستید؟ نگاه شما به سینما و تجربه‌هالیوود از این منظر چیست و تجربه چنین سینمایی را در ایران چگونه می‌بینید؟**

اول بگویم که به‌رحال واقعیت این است که من آدم وطن‌دوستی هستم. این جزئی از کاراکتر من است. فیلم‌هایی را که قهرمان محور هستند، از این نظر دوست دارم که احساس وطن‌دوستی را تقویت می‌کنند. در نتیجه اصلاً با وجودشان موافق هستم. مشکل آنجاست که این تبدیل به یک ایدئولوژی شود؛ یعنی اینکه وادار باشید و همه مجبور باشند این نوع فیلم‌ها را بسازند و رویکرد دیگری در فیلم‌سازی وجود نداشته باشد یا جنس دیگری از قهرمان‌سازی وجود نداشته باشد. کلیشه‌های ثابتی برای ساخت فیلم‌های قهرمانی وجود داشته باشد. اینجا قضیه، اشکال بزرگی پیدا می‌کند؛ آن هم این است که کم‌کم، آن مدل فیلم‌سازی، اثرش را از دست می‌دهد. به خاطر اینکه نمی‌تواند به قدر کافی پویا و مؤثر باشد. به‌ویژه در جوامعی مانند ما، دیگر اصلاً کار نمی‌کند؛ یعنی تبدیل به فیلم‌های ایدئولوژیک و القایی می‌شود که دیگر هیچ اثری روی تماشاچی ندارد.

از این منظر اصولاً شرایط اجتماعی جامعه ما با جامعه‌ای مانند آمریکا قابل مقایسه نیست و نمی‌شود با ساخت فیلم‌هایی شبیه به آنها، نتیجه‌ای شبیه به آنها هم گرفت. هیچ وقت ما اینجا با ساخت فیلم‌های ابرقهرمانی، نمی‌توانیم روی تماشاگران‌مان نتایجی را مانند تأثیراتی که فیلم‌های ابرقهرمانی روی تماشاگران آمریکایی می‌گذارند، بگیریم. مثلاً اگر ما مدل ایرانی اسپایدرمن بسازیم، هر چقدر هم به لحاظ سینمایی خوب و قوی باشد، به نظرم در سینما مضحکه می‌شود. اصلاً طبع ما پذیرای چنین قهرمان‌هایی نیست. اگر به آنها هم نگاه می‌کنیم، برای این است که می‌دانیم اینها خارجی هستند، فانتزی و تخیلی هستند یا قرار نیست ستایشگر آنها باشیم. برای همین به‌عنوان یک موضع فانتزی نگاهش می‌کنیم؛ اما تماشاگر ما از فیلم ایرانی، همیشه چیز دیگری طلب می‌کند.

در بخشی از صحبت خود که اشاره به تثبیت و تأیید قرائت رسمی می‌کنید، شاید بتوان از کلمات دیگری مانند تفهیم برخی روایات رسمی، بررسی و بازخوانی هم استفاده کرد. وقتی تأیید و تثبیت می‌گویید، به بخش القایی یا ایدئولوژیک ماجرا اشاره می‌کنید که اصلاً جالب نیست. شاید فرضی در سؤال شماست که همه روایت‌های رسمی لزوماً روایت موازی هم دارند. برخی موضوعات هستند که روایت موازی ندارند یا روایت غیررسمی در آنها چندان اثر طرف مردم پذیرفته نیست. مثلاً فرض کنید درباره خودمان، اینکه از سوی رژیم بعث عراق مورد تجاوز قرار گرفتیم، در جنگ ایران و عراق. این ممکن است روایت رسمی باشد؛ اما روایت پذیرفته‌شده‌ای که در بخش زیادی از جامعه ایرانی است، چه به لحاظ مردم، چه در جامعه نخبگان و پژوهشگران ما، این چیزی است که می‌توان حرف متفاوتی درباره آن زد؛ مثلاًاینکه گاهی من هم در فیلم‌ها مستندم اشارات متفاوتی هم دراین‌باره داشته‌ام؛ اما کلیت آن، روایتی است که پذیرفته شده است. حالا وقتی فیلمی راجع به آن می‌سازید، گاهی اینکه همه ما می‌گوییم مورد تجاوز قرار گرفتیم، به چه شکل است؟ یا مثلاً راجع به کودتای ۲۸ مرداد، راجع به اصل آن حرکت دموکراسی خواهانه جامعه ایرانی که به رهبری دکتر مصدق در حال کسب یک موفقیت بزرگ بود، با کودتای نظامی که دولت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا در آن نقش داشتند، این دولت سقوط کرد و ما دوباره شاهد دوره طولانی استبداد هستیم. این یک واقعه تاریخی است و این روایتی از آن است. ممکن است در درون این روایت، در جزئیات، تفاوت‌های وجود داشته باشد؛ اما این کلیت، چیزی است که خیلی از جامعه ایرانی قبولش دارند، خیلی از مردم و خیلی از نخبگان. البته روایت‌های کوچک‌تر و غیررسمی درباره آن وجود دارد و کسانی هم قائل به آنها هستند که اصلاً کودتایی نبوده است یا این نوعی از جوشش بخشی از مردم علیه کارگردانی عملی و نیز استخراج دو تکه تگویی نیمه‌بله برای تجربه کارگردانان زن با متونی نوشته‌شده اعضای کارگاه نویسندگی گروه «و ناگهان» که افزودن بر سه سال است که در نگارش قصه و حالا نمایش تک‌نفره، تجربه‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته‌اند. نمایش «حرف‌هایی از سر دل‌های تنگ» شامل چهار تگ‌گویی که با دراماتورژی ویژه‌ای در ذهن من هم شدند، با بازی زهرا زمانیان، یاسمن کریمی، نیره نقاری و سارا شاعی؛ نمایش «بواب‌خوب می‌شی» نوشته ندا نیک از اعضای کارگاه نویسندگی گروه. به کارگردانی مریم خدمتی و بازی آرزو گلشاهی و سومین و آخرین اجرا با بازی زهرا زمانیان، نازنین زنگنه، مریم اسماعیلی و مسرکان خورشید، هستند که نمایش خورشید روز ۲۶ بهمن ساعت ۲۰ در تماشاخانه نوفل‌لوشاتو روی صحنه خواهد رفت. گفتنی است سرپرستی، طراحی و دراماتورژی در همه این نمایش‌ها را روزبه حسینی به‌عنوان مدرس همه کارگاه‌ها برعهده داشته و علی ضایعه‌عبیدی از اعضای دیگر کارگاه نویسندگی به‌عنوان دستیار دراماتورژ، رابگیر در این حوزه بوده است.

دوری در حوزه بازیگری میان این ۹ جوان هنرجوی مستعد بازیگری از سوی سه کارشناس برجسته در عرصه بازیگری انجام شده است و حالا به گام آخر رسیده است: رؤیا نونهالی بازیگر برجسته تئاتر و سینما که در عرصه تعلیم همواره ثابت‌قدم بوده است، حمید پورآزادی کارگردان ناآشنا که تخصص ویژه‌ای در کار با نوآموزان دارد و دست‌آخر نویسنده و کارگردان سینما، اکتای براهنی که چه در حوزه نظری و چه عملی، در هدایت بازیگر و تربیت بازیگر، دست‌ی توانا دارد. لازم به ذکر است نمایش «ای زهدان شوم» نوشته مهرا معین سادات، دیگر عضو کارگاه نویسندگی، بهمن با اجرای نمایش «در اینجا چهار زندان است»، دومین ریتوار مونوگهان، با حضور رؤیا نونهالی، حمید پورآزادی و اکتای براهنی در بخش مسابقه به پایان می‌رسد و علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدن این نمایش با آخرین اجرای ریتوار، «ای زهدان شوم»، در ۲۴ اسفند (هر دو در عمارت نوفل‌لوشاتو) از طریق صفحه رسمی گروه و ناگهان در فضای مجازی، اقدام کنند.

❧ چه بخشی از اجرای بمباران شیمیایی سردشت بیشتر از همه در اینک ترغیبان‌کند برای ساختن فیلم به سراغش بروید نقش داشت. اساساً چه شد که به سراغ چنین موضوعی رفتید؟

فیلم درخت کُردو فیلمی درباره رنج به معنای عام است. اصولاً مفهوم رنج، باز دقیق‌تر و ریزتر اگر نگاه کنیم، درعین‌حال درباره رنج پدرپودن در جامعه ایرانی است. فیلم اصلاً درباره پدرپودن است.

ادامه در صفحه ۱۳

و ناگهان

نونهالی، پورآزادی و براهنی

ایستگاه آخردوری «مونوگهان ۲»

● **سارا شاعی:** امروز با اجرای نمایش «در اینجا چهار زندان است»، دومین ریتوار مونوگهان در بخش مسابقه و داوری به ایستگاه پایانی خود خواهد رسید. گروه فیلم و تئاتر «و ناگهان» به سرپرستی روزبه حسینی، از پاییز سال ۱۳۹۷ دست به تجربه‌ای جدید در عرصه برگزاری اجراهای تک‌نفره زد که با استقبال مخاطبان و متخصصان روبه‌رو شد. «ریتوار مونوگهان»، در زیر عنوان خود، عبارت «بازی برای یک زن» را آورده است؛ نمایش‌هایی نوشته‌شده به زبان فارسی و تا‌به‌حال اجراشده برای یک بازیگر زن. در نخستین دوره، بهرنگ بقایی، صبا آزادی، یژند سلیمانی، سارا داروفروشی و جواد عاطفه به‌عنوان شرکت‌کنندگان در کنار نمایشی از «روزبه حسینی» سرپرست گروه و ناگهان و طراح و سرپرست خود ریتوار، در تماشاخانه «مهرگان» در فصل پاییز و زمستان به اجرا درآمدند و بازخورد خوبی در رسانه‌ها، فضای مجازی، هنرمندان و مخاطبان حرفه‌ای تئاتر به همراه داشتند. از ابتدا سیاست داوری این ریتوار، بر پایه توجه به توانمندسازی و اهمیت‌دادن به بازیگران جوان زن، نگارش متون جدید ایرانی مختص بازیگر زن و نوعی از داوری تخصصی تنها در حوزه بازیگری قرار گرفته است.
داوران نخستین دوره، صدراالدین زاهد، رؤیا نونهالی، اصغر ممت و حسین کیانی بودند و رای پنجم متعلق به انتخاب تماشاگران بوده است.



در گام دوم، سال ۱۳۹۸ دومین دوره مونوگهان در نیمه دوم سال، به شکل اجرایی درآمد؛ اما این‌بار چند تفاوت اساسی به وجود آمد. اول انتخاب دو سالن برای اجرای چهار نمایش: تماشاخانه گندم و عمارت نوفل‌لوشاتو؛ دوم به جای گروه‌های مدعو به ریتوار، همه حاضران و تماشاگران برخاسته از دل کارگاه‌های گروه «و ناگهان» شدند. دو کارگاه «بازی تک‌نفره» در حوزه بازیگری از ایده ذهنی تا متن و دراماتورژی اجرایی برای هر هنرجوی بازیگری برای شکل‌گیری هشت قطعه تک‌نفره گونا؛ نگاه هدایت بازیگر و اهمیت به پرورش استعدادها در حوزه کارگردانی عملی و نیز استخراج دو تکه تگویی نیمه‌بله برای تجربه کارگردانان زن با متونی نوشته‌شده اعضای کارگاه نویسندگی گروه «و ناگهان» که افزودن بر سه سال است که در نگارش قصه و حالا نمایش تک‌نفره، تجربه‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته‌اند. نمایش «حرف‌هایی از سر دل‌های تنگ» شامل چهار تگ‌گویی که با دراماتورژی ویژه‌ای در ذهن من هم شدند، با بازی زهرا زمانیان، یاسمن کریمی، نیره نقاری و سارا شاعی؛ نمایش «بواب‌خوب می‌شی» نوشته ندا نیک از اعضای کارگاه نویسندگی گروه. به کارگردانی مریم خدمتی و بازی آرزو گلشاهی و سومین و آخرین اجرا با بازی زهرا زمانیان، نازنین زنگنه، مریم اسماعیلی و مسرکان خورشید، هستند که نمایش خورشید روز ۲۶ بهمن ساعت ۲۰ در تماشاخانه نوفل‌لوشاتو روی صحنه خواهد رفت. گفتنی است سرپرستی، طراحی و دراماتورژی در همه این نمایش‌ها را روزبه حسینی به‌عنوان مدرس همه کارگاه‌ها برعهده داشته و علی ضایعه‌عبیدی از اعضای دیگر کارگاه نویسندگی به‌عنوان دستیار دراماتورژ، رابگیر در این حوزه بوده است.

دوری در حوزه بازیگری میان این ۹ جوان هنرجوی مستعد بازیگری از سوی سه کارشناس برجسته در عرصه بازیگری انجام شده است و حالا به گام آخر رسیده است: رؤیا نونهالی بازیگر برجسته تئاتر و سینما که در عرصه تعلیم همواره ثابت‌قدم بوده است، حمید پورآزادی کارگردان ناآشنا که تخصص ویژه‌ای در کار با نوآموزان دارد و دست‌آخر نویسنده و کارگردان سینما، اکتای براهنی که چه در حوزه نظری و چه عملی، در هدایت بازیگر و تربیت بازیگر، دست‌ی توانا دارد. لازم به ذکر است نمایش «ای زهدان شوم» نوشته مهرا معین سادات، دیگر عضو کارگاه نویسندگی، بهمن با اجرای نمایش «در اینجا چهار زندان است»، دومین ریتوار مونوگهان، با حضور رؤیا نونهالی، حمید پورآزادی و اکتای براهنی در بخش مسابقه به پایان می‌رسد و علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدن این نمایش با آخرین اجرای ریتوار، «ای زهدان شوم»، در ۲۴ اسفند (هر دو در عمارت نوفل‌لوشاتو) از طریق صفحه رسمی گروه و ناگهان در فضای مجازی، اقدام کنند.